

## The Archeology of Power Struggle in Shahnameh and Iliad (Relying on the Fereydun and the Priam Myths)

Zahra Ghorbanipour 

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farhad Tahmasbi \*

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran

### Abstract

'Archeology viewpoint is based on discourses on conflict atmosphere, semantic disputes, and determining time and place. In the temporal and spatial periods of the royal families of Fereydun and Priam, under the influence of the origins, discourses based on the struggle for power have emerged, and some have been able to prevail in the hostile atmosphere and establish their meaning in the semantic conflicts. The research method is analytical-descriptive-comparative to answer the question of how these origins have affected the discourse of religious political identity, political identity, and king identity which have found dominance and influence on the identity of other discourses in two texts. The results of the research show that dominant discourses have become hegemonic through the elaboration of discourse-building units such as sacredness, fatalism, etc., and with high frequency, they appear in the behavior of the subjects. Also, the relationship between the origins of religion and politics has been shown as powerful and discourse-creating origins on the one hand, and the normativity of subjects on the other hand.

**Keywords:** Myth, Origin, Archeology, Foucault, Dominant Discourse.


The present paper is adapted from a Ph.D. thesis on Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran.

\*Corresponding Author: farhad.tahmasbi@yahoo.com


**How to Cite:** Ghorbanipour, M., Tahmasbi, F. (2023). The Archeology of Power Struggle in Shahnameh and Iliad (Relying on the Fereydun and the Priam Myths). *Literary Text Research*, 27(95), 181-210. doi: 10.22054/LTR.2021.46190.2809

## دیرینه‌شناسی ستیز قدرت در خاندان‌های شاهی شاهنامه و ایلیاد (با تکیه بر اسطوره‌های فریدون و پریام)

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه  
آزاد اسلامی، تهران، ایران

 زهرا قربانی پور

دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد  
اسلامی، اسلامشهر، ایران

 \* فرهاد طهماسبی

### چکیده

دیدگاه دیرینه‌شناسی فوکو به بررسی گفتمان‌ها می‌پردازد و تأکیدش بر فضای متخاصم گفتمان‌ها، منازعات معنایی و تعیین زمان و مکان است. در پُره‌های زمانی و مکانی خاندان‌های شاهی فریدون و پریام، تحت تأثیر خاستگاه‌ها، گفتمان‌هایی بر اساس ستیز برای کسب قدرت پدید آمده‌اند که برخی در فضای متخاصم توانسته‌اند غالب شوند و در منازعات معنایی، معنای خود را تثبیت کنند؛ این مقاله تحلیلی T توصیفی و تطبیقی به این پرسش که خاستگاه‌ها چگونه در کلان‌گفتمان‌های هویت دینی D سیاسی، هویت سیاسی و هویت شاه که غلبه گفتمانی در دو متن دارند، تأثیر گذاشته‌اند و توانسته‌اند بر هویت گفتمان‌های دیگر تأثیر بگذارند، می‌پردازد؛ نتایج پژوهش نشان می‌دهد گفتمان‌های غالب از طریق مفصل‌بندی واحدهای گفتمان‌سازی چون مقدس بودن، تقدیرگرایی و ... هژمونی شده‌اند و با بسامد بالا در رفتار و کردار سوژه‌ها نمود دارند؛ همچنین روابط خاستگاه‌های دین و سیاست به‌عنوان خاستگاه‌های قدرتمند و گفتمان‌ساز از طرفی و هنجارپذیری سوژه‌ها از طرفی دیگر نمایانده شده است.

کلیدواژه‌ها: اسطوره، خاستگاه، دیرینه‌شناسی، فوکو، گفتمان غالب.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است.

\* نویسنده مسئول: farhad.tahmasbi@yahoo.com

## مقدمه

حماسه از مهم‌ترین انواع ادبی است و می‌توان در درون آن با به‌کارگیری رویکردها و نظریه‌های نوین به یافته‌های تازه دست یافت. یکی از درون‌مایه‌های متون حماسی قدرت است که دلیل اصلی ستیزهای خاندان‌های شاهی است و بر بنیاد آرای میشل فوکو گفتمان‌ها<sup>۱</sup> بر اساس روابط قدرت شکل گرفته‌اند، این گفتمان‌ها از خاستگاه‌هایی اجتماعی و هویت‌ساز که بنیاد جوامع انسانی هستند و هویت انسان برآیند عملکرد آنهاست، برآمده‌اند و باید از منظر روابط قدرت تحلیل شوند. این مقاله برای آنکه بتواند از دیدگاه دیرینه‌شناسی فوکو خاندان‌های شاهی فریدون و پیام را بررسی کند به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱. ستیز قدرت، سازوکار و نقش خاستگاه‌های گفتمان‌ساز در این خاندان‌ها چگونه است؟

۲. سوژه‌های/انسان‌های هنجارپذیر و هنجارناپذیر کدام‌اند؟

۳. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان رویکرد فردوسی و هومر به گفتمان غالب قدرت وجود دارد؟

در این مقاله با استفاده از اندیشه دیرینه‌شناسی فوکو می‌توان این نکته‌ها را ایضاً کرد: تقابل‌های گفتمانی رخ داده در بُرهه‌های زمانی (پادشاهی فریدون و پیام) و مکانی (ایران، یونان، تروآ) چگونه‌اند، کدام معناها را دنبال می‌کنند و هژمونی می‌شوند، خاستگاه‌ها چه نقشی در تولید آنها دارند، رویکرد فردوسی و هومر به گفتمان غالب قدرت چگونه است؛ از این رو این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و تطبیقی گفتمان‌ها را در خاستگاه‌های جامعه جست‌وجو می‌کند و گفتمان غالب قدرت<sup>۲</sup> را هم برآمده از عملکرد آنها می‌داند. برای یافتن خاستگاه مرتبط (به‌صورت تک‌خاستگاهی یا چندخاستگاهی) تقسیم‌بندی (اقتصاد، خانواده، دین، سیاست و آموزش و پرورش) انتخاب شد؛ همچنین با در نظر گرفتن حکم‌ها/واحدهای گفتمان‌ساز<sup>۳</sup> تحت پنج کلان گفتمان (هویت دینی - سیاسی، هویت سیاسی، هویت فرهنگی - ملی، هویت شاه، هویت طبقاتی)

1. Discourses.

2. Discourse power dominant.

3. Enonce/ statement.

مشخص می‌کند کدام کلان‌گفتمان‌ها با چه واحدهای گفتمان‌سازی غالب و هژمونی هستند و سپس آن‌ها را در نمودار نشان می‌دهد. در پایان شباهت‌ها و تفاوت‌ها نمایانده می‌شوند. گفتنی است در این مقاله برپایه نظر فوکو که حقیقت محصول گفتمان و روابط قدرت است، کوشش شده تا به فضای نااندیشیده‌ها برسد.

از آنجا که به مسئله و اهداف مورد نظر این مقاله، توجه شایانی نشده است، بررسی آن قابل تأمل به نظر می‌رسد.

### ۱. فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد تحت تأثیر خاستگاه‌های دین و سیاست کلان‌گفتمان هویت دینی - سیاسی با ترکیب واحدهای گفتمان‌ساز تقدس و تقدیرگرایی غلبه گفتمانی پیدا می‌کنند.
۲. به نظر می‌رسد برخی شخصیت‌ها تحت تأثیر قدرت هنجارپذیر می‌شوند و برخی مقاومت می‌کنند.
۳. به نظر می‌رسد شباهت‌های بسیاری میان دو داستان وجود داشته باشد.

### ۲. روش پژوهش

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی، تفسیر و تحلیل موارد مربوط به موضوع پژوهش پرداخته است.

### ۳. پیشینه پژوهش

تطبیق داستان‌های شاهنامه با حماسه‌های جهان انجام شده است (ر.ک: قربانی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۰۱-۲۲۱)؛ ولی پیشینه‌ای در زمینه تطبیق حماسه‌ها با رویکرد این مقاله وجود ندارد؛ در شعر پژوهی برخی مقاله‌ها که با گوشه‌ای از چارچوب این مقاله همپوشانی دارند از این قرار آند:

- ساره ارمی اول (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با نام «بررسی بستگی‌های قدرت در داستان کیخسرو بر پایه دیدگاه فوکو» با دیرینه‌شناسی فوکو به بررسی روابط قدرت در داستان کیخسرو پرداخته و کیخسرو را نیروی خیر و افراسیاب را نیروی شر دانسته است.

- احمد خاتمی، عیسی امن‌خانی و منا علی‌مددی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با نام «نگاهی به چرایی بازگشت ادبی از منظر نظریه گفتمان فوکو» بر بنیاد گفتمان فوکو، مکتب بازگشت ادبی را تبیین کرده‌اند و گفتمان آن را رو به گذشته دانسته‌اند.

درباره این پژوهش دو نکته متمایزکننده وجود دارد، برای نخستین بار است که اسطوره‌های فریدون و پریام با دیرینه‌شناسی فوکو تحلیل می‌شوند و تطبیق داده می‌شوند.

#### ۴. چارچوب نظری

۴-۱. قدرت: از دیدگاه فوکو روابط قدرت در همه مناسبات اجتماعی جریان دارد و همه سطح‌ها را حتی تمایلات پنهانی ما را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. «قدرت را نباید تنها به کسی خودکامه یا طبقه‌ای خاص منسوب کرد، بلکه قدرت از اجتماع عوامل غیرشخصی مانند نهادها، هنجارها، قوانین و گفتمان‌ها نشئت می‌گیرد و ساختاری دارد و با دانش پیوندی انکارناپذیر. درحقیقت نهادها و سازمان‌ها هم اعضای خویش را سرکوب می‌کنند، هم از آن‌ها موجوداتی منضبط، تربیت‌شده و مولد می‌سازند» (فوکو، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۵۷). او مسئله فردیت‌دهی را وجه خاصی از اعمال قدرت می‌داند و می‌گوید «ذهنیت مفهومی ماهوی و ثابت نیست بلکه پدیده‌ای تاریخی است؛ پس سیر شکل‌گیری ذهنیت را در مقاطع تاریخی گوناگون بررسی می‌کند» (همان: ۱۸۸)؛ همچنین او خاستگاه‌های اجتماعی را مهم می‌داند.

۴-۲. گفتمان: سابقه به کار بردن آنچه امروزه به‌عنوان گفتمان در تحقیقات حوزه‌های گوناگون کاربرد دارد، به گذشته‌های دور باز می‌گردد. در این تعریف، گفتمان عبارت بود از «عرضه منظم یک موضوع معین در قالب نوشتار و گفتار» (کوک، ۱۳۸۵: ۲۵۶) ولی آثار فوکو معنای آن را دگرگون و به یکی از پرکاربردترین مفاهیم تبدیل کرد؛ گفتمان

اصطلاح پایه‌ای نوشته‌های فوکو است و در نظر او گفتمان «چیزی است که چیز دیگری (پاره‌گفتار، مفهوم و تصویر) را تولید می‌کند و نه چیزی که در خود و برای خود وجود دارد و به صورت جداگانه می‌توان تحلیلش کرد» (میلز، ۱۳۸۲: ۳۷).

۴-۳. **دیرینه‌شناسی:** فوکو در دیرینه‌شناسی در پی کشف و تحلیل معناهای نهفته در متن نیست، بلکه به سطح گفتمان‌ها می‌پردازد؛ بنابراین «دیرینه‌شناسی روشی فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک است» (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۴۲)؛ «هدف دیرینه‌شناسی توصیف خالص حوادث است» (کچویان، ۱۳۸۲: ۶۲) و در جست‌وجوی قواعد شکل‌گیری گفتمان‌هاست که در سه محور ذیل در نظر گرفته شد: الف) شناسایی فضای متخاصم<sup>۱</sup>: هیچ گفتمانی به تنهایی و بدون تقابل با گفتمان دیگری هویت ندارد (فوکو، ۱۳۸۷: ۱۹۹)؛ در فرایند تولید گفتمان‌ها برخی ممنوع و سرکوب می‌شوند و برخی پذیرفته می‌شوند؛ ب) منازعات معنایی<sup>۲</sup>: پیروزی یک معنا در گفتمان همیشه معانی دیگر را به حاشیه می‌راند و به منازعه معنایی در گفتمان می‌انجامد و تحولات اجتماعی تابع منازعات معنایی هستند (ر.ک: همان: ۱۹۸)؛ ج) تعیین زمان و مکان<sup>۳</sup>: بُرهه‌های زمانی و مکانی که گفتمان در آن شکل می‌گیرد یا متحول می‌شود، نقش مهمی در تعیین هویت گفتمان و نظام معنایی آن دارد (ر.ک: همان: ۱۹۵ و دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۱۲۸).

۴-۴. **صورت‌بندی<sup>۴</sup>:** این مفهوم یکی از عناصر نظریه گفتمان میشل فوکو است. در اندیشه او مجموعه‌ای از حکم‌ها/واحد‌های گفتمان‌ساز یک گفتمان را شکل می‌دهند؛ مجموعه‌ای از گفتمان‌ها تبدیل به یک نظام گفتمانی می‌شوند و در هر دوره از ترکیب نظام‌های گفتمانی، صورت‌بندی شکل می‌گیرد؛ هر گفتمان صورت‌های گفتمانی بسیاری دارد که شناخت این صورت‌ها لازمه شناخت گفتمان هر دوره است؛ برای نمونه می‌توان به صورت‌های گفتمانی نجوم، فلسفه، سیاست و ... اشاره کرد.

1. Identify conflict atmosphere.
2. Semantic conflicts.
3. Determine time and place.
4. Formation.

۴-۵. سراسربین/نظارت فراگیر و مستمر<sup>۱</sup>: فوکو به مسئله انضباط و شیوه‌های کنترل رفتار سوژه‌ها/انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید انضباط همه‌جا هست. او طرح سراسربین (ساختمانی با برج مرکزی) را که نمادی از همه نهاد‌های اصلاح‌کننده است، مطرح می‌کند (ر.ک: فوکو، ۱۳۸۷: ۱۵۸)؛ درحقیقت او جامعه را پایگاهی برای اعمال قدرت انضباطی<sup>۲</sup> می‌داند که در آن همه گفتمان‌های تولیدشده در جامعه از خاستگاه‌ها سرچشمه گرفته‌اند و با روش‌هایی کنترل، گزینش و توزیع می‌شوند تا فرایند سوژه‌شدگی را اجرا کنند و سوژه‌ها را مطیع و بهنجار کنند؛ پس قدرت در روابط میان افراد و نهادها وارد می‌شود تا شکل‌های خاصی از رفتار را خلق کند؛ پس باید همه روابط انسانی را بر پایه قدرت کاوید و حقیقت را امری نسبی، تولیدی و منفی دانست.

## ۵. یافته‌ها

با در نظر گرفتن منظومه‌ای از مناسبات حاکم در این دو متن پنج کلان گفتمان کلی در نظر گرفته شده است که از این قراراند: هویت دینی - سیاسی، هویت سیاسی، هویت طبقاتی، هویت فرهنگی - ملی و هویت شاه. هر یک از آنها برآمده از خاستگاهی ویژه‌اند و کار هویت‌بخشی به کسان جامعه را انجام می‌دهند، حقیقت‌ها را تعیین می‌کنند و انسان را تابع گفتمان‌های دوره خود می‌کنند که با در نظر گرفتن آنها به مبحث محور دیرینه‌شناسی پرداخته خواهد شد.

### ۵-۱. داستان فریدون

الف) کلان گفتمان هویت دینی - سیاسی

- واحد گفتمان‌ساز مقدس بودن:

فرمانروایی امری مقدس دانسته شده است زیرا قدرت از آن پروردگار است و حکومت روی زمین به هر که او بخواهد می‌رسد.

1. Panopticon.

2. Disciplinary power.

در اوستا آمده است: دوبار وقتی که فرّه از جمشید جدا شد به شکل مرغی، فریدون از تبار خاندان آثویه آن را دریافت (اوستا، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۷۴) بنابراین فریدون آن هنگام که از مادر زاده شد، فرّه ایزدی با او همراه شد.

حجسته فریدون ز مادر بزاد      جهان را یکی دیگر آمد نهاد  
بیالید برسان سروسهیی      همی تافت زو فر شاهنشهی  
جهانجوی با فر جمشید بود      بکردار تابنده خورشید بود  
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۰)

ولی همه فرزندان او فرّه ندارند به جز ایرج که در این داستان چون شخص فریدون واحد گفتمان ساز مرکزی است و همه رویدادها پیرامون او رخ می دهد، او ایرج را به عنوان کسی که فرّه دارد، شناساند. مبنای مشروعیت شاه، فرّه است که خدا تنها به شاهان می دهد. ایزد فرمانروایی زمین را به کسی که خودش برگزیده است، می دهد و همگان باید از او پیروی کنند. بزرگان و سران لشکر نیز به فرمانروایی آسمانی فریدون اشاره می کنند.

بزرگان لشکر چو بشناختند      بر شهریار جهان تاختند  
ترا باد پیروزی از آسمان      مبادا بجز داد و نیکی گمان  
(همان: ۳۱)

### - واحد گفتمان ساز دین و خودکامگی

شخصیت های داستان به یزدان، خورشید، خاک و ستارگان قسم می خورند. فریدون به پرستش یزدان پاک، خورشید و خاک تیره اشاره دارد که نشان از دین مهری است. او از این ابزار برای استحکام رأی خویش بهره می جوید و می گوید:

بدان برترین نام یزدان پاک      برخشنده خورشید و بر تیره خاک  
بتخت و کلاه و بناهید و ماه      که من بد نکردم شمارا نگاه  
[یکی انجمن کردم از بخردان      ستاره شناسان و هم موبدان]  
[پسی روزگاران شدست اندرین      نکردیم بر باد بخشش زمین]  
(همان: ۳۸)



هنگامی که فریدون به درگاه کردگار نیایش کرد و گفت: ای کاش یزدان بینایی مرا به من باز می گرداند، خداوند بینایی اش را باز گرداند؛ بنابراین شاه رهبری دینی و سیاسی را با هم داشت.

نهاد آن گرانمایه را بر کنار	نیایش همی کرد با کردگار
همی گفت کین روز فرخنده باد	دل بد سگالان ما کنده باد
همان کز جهان آفرین کرد یاد	بیخشود و دیده بدو باز داد
فریدون چو روشن جهان را بدید	بچهر نو آمد سبک بنگرید

(همان: ۴۴)

#### - واحد گفتمان ساز تقدیرگرایی

جندل هنگام آوردن پیغام فریدون برای شاه یمن به او در امان ماندن از اختر بد را مژده داد:  
بدان ای سر مایه تازیان کز اختر بدی جاودان بی زیان  
(همان: ۳۳)

در پیام سلم و تور به فریدون، تقدیرگرایی برجسته ترین و نخستین دلیلی است که برای کشتن ایرج آورده می شود. آن ها با این دستاویز از فریدون بخشش خواستند.

نوشته چنین بودمان از بوش برسم بوش اندر آمد روش  
و دیگر بهانه سپهر بلند که گاهی پناهست و گاهی گزند  
(همان: ۴۵)

#### (ب) کلان گفتمان هویت سیاسی

##### - واحد گفتمان ساز سکوت

نافرمانی از شاه برابر با دشمنی و مخالفت با اوست؛ بنابراین اندیشه پرسشگری در حکومت خودکامه وجود ندارد، اگر باشد باید سرکوب شود و در اینجا چون سلم و تور اندیشه پرسشگری در برابر اعمال شاه دارند، باید نابود شوند.

چو از خیمه ایرج بره بنگرید  
برفتند با او بخیمه درون  
بدو گفت تور آر تو از ما کهی  
برادر که مهتر بخاور برنج  
چنین بخششی کان جهانجوی کرد  
همه سوی کهتر پسر روی کرد  
پراز مهر دل پیش ایشان دوید  
سخن بیشتر بر چرا رفت و چون  
چرا بر نهادی کلاه مهی  
بسر بر ترا افسر و زیر گنج  
(همان: ۴۱ و ۴۲)

ایرج هنگام زینهار خواستن از برادران، آن‌ها را از عاقبت نافرمانی از حکم شاه که حکمش همانند خداست، بیم می‌دهد و به گونه‌ای به سوی واحدهای گفتمان‌ساز سکوت و تقدیرگرایی که از ابزارهای سیاسی اعمال قدرت است، فرا می‌خواند.

نیایدت گفت ایچ بیم از خدای  
مکش مر مرا کت سرانجام کار  
جهان خواستی یافتی خون مریز  
نه شرم از پدر خود همینست رأی  
بپیچانند از خون من کردگار  
مکن با جهاندار یزدان ستیز  
(همان: ۴۲)

### – واحد گفتمان‌ساز انتقام‌جویی

بنیاد همه ستیزها در شاهنامه انتقام‌جویی است که مُدام بر دوش برادران و فرزندان نهاده می‌شود. فریدون خواهان انتقام گرفتن از پسرانش شد و نتوانست بر خشم و کینه‌اش چیره شود که از بنیادها و سازه‌های اصلی پادشاهی است، او مُدام به انتقام می‌اندیشید زیرا در لایه‌های پنهان متن از فرمان او سرپیچی شده است و از آنجا که حکومت خودکامه تنها خواسته‌اش فرمان‌برداری است، از همه ابزارهایی که در اختیار دارد، استفاده می‌کند. او برای انتقام گرفتن از بارداری ماه آفرید شادمان است که مخالف اصول شاهی است.

پری چهره را بچه بود در نهان  
از آن خوب رخ شد دلش پر امید  
از آن شاد شد شهریار جهان  
بکین پسر داد دل را نوید  
(همان: ۴۴)

منوچهر همچون باد تور را از زین بر گرفت و بر زمین زد، سر از تنش جدا کرد و آنگاه تنش را خوراک داد و دام کرد.

ز زین بر گرفتش بکردار باد      بزد بر زمین داد مردی بـداد  
سرش را هم آنگه ز تن دور کرد      داد و دام را از تنش سـور کرد  
(همان: ۵۱)

منوچهر با شمشیر چنان بر سر و گردن سلم زد که تنش به دو نیم شد و آنگاه سرش را بر نیزه‌ای زد.

یکی تیغ زد زود بر گردنش      بدو نیمه شد خسروانی تنش  
بفرمود تا سرش برداشتنند      بنیزه بابر اندر افراشتن  
(همان: ۵۴)

#### - واحد گفتمان ساز مرگ

یکی از راه‌های اعمال قدرت، کشتن و حذف کردن است. سلم و تور کشتن را تنها راه اعمال قدرت خویش پنداشتند و برادر را کشتند. آن‌ها نخست برای به رخ کشیدن اقتدارشان با سپاهی به پیشباز ایرج رفتند و او را با گشاده‌رویی به سراپرده فرا خواندند، درحالی که پر از خشم و کینه و در اندیشه کشتن بودند.

نیامدش گفتار ایرج پسند      نبد راستی نـزد او ارجمند  
بکرسی بخشم اندر آورد پای      همی گفت و برجست هزمان ز جای  
یکایک بر آمد ز جای نشست      گرفت آن گران کرسی زر بدست  
بزد بر سر خرو تاج دار      از و خواست ایرج بجان زینهار  
یکی خنجر آبگون بر کشید      سراپای او چادر خون کشید  
(همان: ۴۲)

### پ) کلان‌گفتمان هویت شاه

#### - واحد گفتمان‌ساز نژاد

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فطری شاه، اصالت نژاد است. فریدون از مادرش درباره نژادش می‌پرسد:

بگو مرا تا که بودم پدر      کیم من ز تخم کدامین گهر  
(همان: ۲۲)

فریدون ذات درونی سلم و تور را هم‌مرتب به با ذات ایرج نمی‌دانست که گفت:  
که از گوهر بد نیاید مهی      مرا دل همی داد این آگهی  
(همان: ۳۸)

منوچهر همین که به گیتی پا نهاد، شایسته تخت و کلاه شد.  
یکی پور زاد آن هنرمند ماه      چگونه سزاوار تخت و کلاه  
(همان: ۴۴)

#### - واحد گفتمان‌ساز دادگری

هنگامی که فریدون بر تخت نشست، دادگری گسترده او دارای‌هایی را که از راه ستم به دست آمده بود، بخشید و دست ستم را کوتاه کرد.

وزان پس فریدون بگرد جهان      بگردید و دید آشکار و نهان  
هر آن چیز کز راه بیداد دید      هر آن بوم و بر کان نه آباد دید  
بنیکی بستم از همه دست بد      چنانک از ره هوشیاران سزد  
(همان: ۳۱)

مفهوم عدالت در ایران باستان نگره داشتن حدود طبقات اجتماعی و عدول نکردن آن‌ها به طبقه‌های دیگر بوده است؛ جلوگیری از ستم نیز وجه دیگری از مفهوم دادگری بوده است برای نمونه هنگامی که فریدون بر تخت نشست، از درآمیختگی طبقه‌ها جلوگیری کرد:  
نباید که باشید با ساز جنگ      نه زین گونه جوید کسی نام و ننگ

سپاهی نباید که با پیشه‌ور  
بیک روی جویند هر دو هنر  
یکی کارورز و یکی گرزدار  
سزاوار هر کس پدیدست کار  
چو این کار آن جوید آن کار این  
پر آشوب گردد سراسر زمین  
(همان: ۲۹ - ۳۰)

سلم و تور بر بنیاد نگاه فردوسی وجودشان تھی از داد است.  
بـرفـتند باز آن دو بیداد شوم  
یکی سوی ترک و یکی سوی روم  
(همان: ۴۲)

#### - واحد گفتمان ساز خردمندی

از آئین شهریاری یکی این است که شاه باید خردورز باشد.  
ولیکن چو جانی شود بی‌بها  
نهد پر خرد در دم ازدها  
چه پیش آیدش جز گزاینده زهر  
کش از آفرینش چنین است بهر  
(همان: ۴۰)

بی‌آزاری و راستی از اصول خردمندی شاه و مایه رستگاری است.  
نباید ز گیتی ترا یار کس  
بی‌آزاری و راستی یار بس  
(همان: ۳۹)

#### - واحد گفتمان ساز مهار خشم و کینه

سفارش به دوری از خشم و کینه‌ورزی در داستان دیده می‌شود:  
چو بستر ز خاکست و بالین ز خشت  
درختی چرا باید امروز کشت  
که هر چند چرخ از برش بگذرد  
تنش خون خورد بار کین آورد  
(همان: ۳۹)

ولی سلم و تور توان مهار خشم و کینه را ندارند و از روی خشم، بیزاری و کینه‌ورزی ایرج را می‌کشند:

یکی خنجر آبگون برکشید      سرپای او چادر خون کشید  
(همان: ۴۲)

ت) کلان گفتمان هویت فرهنگی-ملی

### - واحد گفتمان ساز ازدواج

فریدون از جندل خواست تا سه دختر از نژاد بزرگان بیابد که زیبارو، پاک‌دامن و شاهزاده باشند و شایستگی پیوند با او را داشته باشند؛ زیرا نژاد ارجمند داشتن از شرایط پیوند زناشویی شاهزادگان بوده است.

کنون این گرامی دو گونه گهر      بسباید بر آمیخت با یکدگر  
(همان: ۳۳)

### فضای گفتمانی داستان فریدون

کلان گفتمان کلی ستیز و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن (خرده گفتمان غالب قدرت) گفتمان مسلط داستان است. این گفتمان، سیاست هویت، سیاست زندگی، سیاست چگونگی کسب قدرت، چگونگی چیرگی بر دیگری را به خاندان شاهی فریدون آموخته است که در نتیجه آن‌ها در همه عملکردهایشان گفتمان ستیز را سرلوحه قرار داده‌اند. ماهیت و خط‌مشی کلان گفتمان ستیز در داستان واحد گفتمان ساز اصلی فریدون است زیرا همه رخدادها پیرامون اوست و در این راه هرچه با او مخالفت یا ایستادگی کند به حاشیه می‌راند؛ بنابراین:

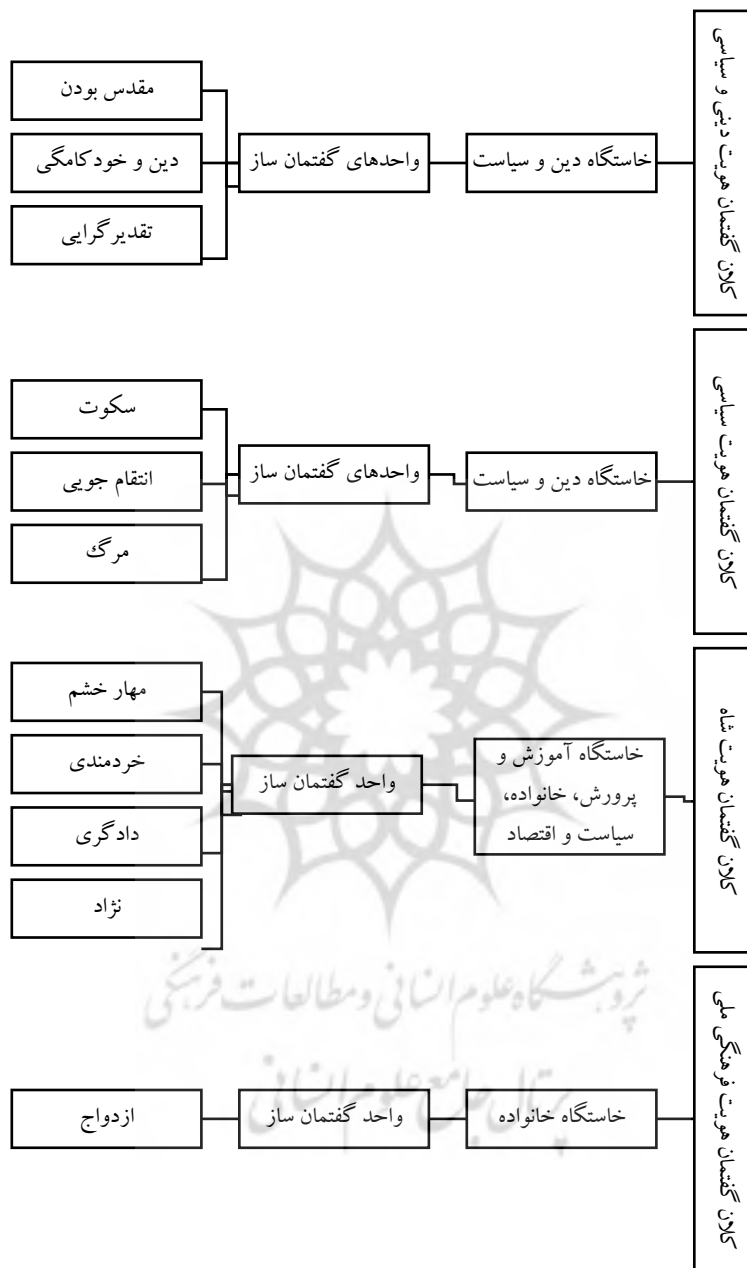
۱. شخص فریدون، واحد گفتمان ساز مرکزی و هژمونی در جامعه دوران خویش است که با بخش کردن قلمرو فرمانروایی اش میان پسرانش سعی دارد با سیستم سراسرین کشور را اداره کند ولی پس از شکست، از راهکارهای مجازات انضباطی مانند کشتن برای بهنجارسازی استفاده می‌کند.

۲. دین، جادو و قدرت از واحدهای گفتمان ساز برجسته در این دوران است.

در این داستان آبر گفتمان فریدون با یاری گفتمان بیگانه سرو (شاه یمن) و گفتمان منوچهر توانست همه گفتمان‌ها را به حاشیه براند و پیروز و هژمونیک شود. گفتمان منوچهر نیز با یاری آبر گفتمان فریدون به قدرت رسید و توانست با به حاشیه راندن گفتمان‌های سلم و تور گفتمان خود را پیروز و هژمونیک کند.

کلان گفتمان‌های اساسی داستان از این قراراند: کلان گفتمان هویت دینی-سیاسی با واحدهای گفتمان‌ساز مقدس بودن، دین و خودکامگی و تقدیرگرایی؛ کلان گفتمان هویت سیاسی با واحدهای گفتمان‌ساز سکوت، انتقام‌جویی و مرگ؛ کلان گفتمان هویت شاه با واحدهای گفتمان‌ساز نژاد، دادگری، خردمندی و مهار خشم؛ کلان گفتمان هویت فرهنگی-ملی با واحد گفتمان‌ساز ازدواج که همگی بر بنیاد خاستگاه‌های دین، سیاست، آموزش و پرورش، خانواده و اقتصاد شکل گرفته‌اند. بر این پایه صورت‌های گفتمانی داستان ابتدا دینی و سپس سیاسی است؛ جادو و نجوم از صورت‌های گفتمانی دیگر داستان هستند.

در این فضای گفتمانی قدرتمندترین و با دانش‌ترین شخصیت‌ها سلم و تور هستند زیرا با روابط قدرت هنجارزده نشدند، در برابر گفتمان غالب قدرت مقاومت کردند و تلاش کردند عقاید شخصیت‌های دیگر را با عقاید خود همراه کنند که در این فرصت گفتمان غالب قدرت توانست به نمایش بیشتر هژمونی شدن قدرت پردازد و گفتمان آن دو را برای همیشه به حاشیه براند. در این میان ایرج و منوچهر با مناسبات حاکم کاملاً همسو و هنجارزده شدند.



نمودار ۱. گفتمان‌های غالب، خاستگاه‌ها و واحد‌های گفتمان‌ساز در داستان فریدون



## محورهای دیرینه‌شناسی داستان فریدون

### - شناسایی فضای تخصصی

در یک فضا، گفتمان‌های بسیاری وجود دارند که هر کدام خواهان غالب و هژمونی شدن هستند، از این رو بینشان درگیری به وجود می‌آید. در داستان فریدون با گفتمان‌های سلم، تور و ایرج روبه‌رو هستیم که ابر گفتمان قدرتمند فریدون در برابرشان شکل می‌گیرد و آن‌ها را به حاشیه می‌راند و خود تبدیل به ابر گفتمان غالب می‌شود و همه آن‌ها را شکست می‌دهد؛ بنابراین وجود گفتمان‌های خودی سلم، تور، ایرج و گفتمان بیگانه شاه یمن به ابر گفتمان قدرتمند فریدون هویت بخشیدند و سبب شدند تا او ساختار معنایی ویژه برای حکومت کردن بیافریند و به کار بیند.

از سوی دیگر پیوستن گفتمان‌ها به یکدیگر، صلح می‌آفریند. ابر گفتمان قدرت فریدون با گفتمان قدرت شاه یمن صلح کرد تا در ظاهر بر نام، آوازه و قدرتش بیفزاید و در لایه‌های ژرف‌تر به سرکوب قدرت‌های داخلی و خارجی پردازد.

### - منازعات معنایی

حفظ قدرت در دستان خود، تقسیم کشور میان فرزندان، گسترش قلمرو با ازدواج با دختران شاه یمن و انتقام‌جویی، معنایی است که فریدون در حکومتش به دنبال آن‌هاست. منازعات معنایی دوره او این است که او ابتدا خود کشور را میان سه فرزندش تقسیم می‌کند و آن‌ها را گرامی می‌دارد، ولی درحقیقت او خود سبب ایجاد درگیری و کشته شدن هر سه فرزند می‌شود، زیرا در لایه‌های ژرف‌تر داستان می‌توان دید که او تمایلی به واگذاری تاج نداشته است و برای حفظ قدرتش این نقشه را طراحی کرده است. هنگامی که فریدون ایرج را نزد سلم و تور می‌فرستد با وجود اینکه از سرانجام کار آگاه است درحقیقت فرزند را دانسته به کشتن می‌دهد تا بهانه‌ای بشود برای کشتن دو پسر دیگرش و این‌گونه تاج تا زمانی که زنده است از آن او باقی بماند؛ ولی از آنجاکه در ناخودآگاهش ترس از بین رفتن نژادش وجود دارد و از سوی دیگر نیز باید وظیفه‌اش که تعیین جانشین است را انجام دهد، ناگهان دغدغه بر تخت نشاندن نژاد خویش را پیدا

می‌کند و منوچهر را آن‌گونه که می‌خواهد، درست شبیه خودش تربیت می‌کند که حتی پس از مرگش تداعی‌گر خودش باشد و شاید از همین روست که نام او را منوچهر به معنای کسی که چهره‌اش شبیه خودش است، می‌نهد (ر.ک: ثعالبی نیشابوری، ۱۳۶۸: ۴۰). در مجموع آبر گفتمان فریدون همه گفتمان‌های دیگر را به حاشیه رانده است چون همان‌طور که قدرت مطلق از آن پروردگار است، قدرت مطلق در دست فریدون نیز هست، چون او سایه خداست و نباید برخلاف رأی او اندیشید و عمل کرد.

### - تعیین زمان و مکان

زمان کلان: گذشته دور در ایران باستان (هنگام پادشاهی فریدون و منوچهر).  
زمان خرد: روز (زمان گفتمان‌ها در روز و در کاخ فریدون، آوردگاه‌ها و کاخ شاه یمن بوده است) و شب (زمان آرمیدن شاه و لشکریان پس از نبرد).  
مکان کلان: ایران، توران و روم (گستره پادشاهی فریدون).  
مکان خرد: درگاه شاهی فریدون، درگاه شاهی شاه یمن، آوردگاه سلم و تور با ایرج، آوردگاه منوچهر با سلم و تور.  
اگر فریدون در دوران پادشاهی‌اش کشور را میان فرزندان‌ش تقسیم نمی‌کرد، گفتمان قدرت آن‌ها هیچ‌گاه شکل نمی‌گرفت و از سوی دیگر هم فریدون با به حاشیه راندن گفتمان قدرت آن‌ها و ازدواج پسرانش با دختران شاه یمن به آبر گفتمان خودش، قدرت بیشتر نمی‌افزود. گفتنی است جایگاه‌های ایران، روم، توران و یمن فریدون را در رساندن به آرمانش و پیروزی گفتمان‌ش یاری رساندند. باید گفت فریدون هم فرمانروایی دنیا هم پیشوایی دینی را بر دوش دارد و درباره امور فراج جهانی سخن‌ها می‌راند و به‌خوبی از این ابزار برای اداره مملکتش بهره می‌جوید؛ بنابراین او همچون جمشید شاه‌موبد است یعنی فرازمان در شکل‌گیری آبر گفتمان فریدون تأثیری بسزا داشته است، همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، همه شخصیت‌های داستان تحت تأثیر واحد گفتمان‌ساز تقدیرگرایی هستند و فرمان‌بر فرمانروا شده‌اند؛ برای نمونه تقدیرگرایی و فلک‌نالی، دستاویزی برای اعمال قدرت و سرکوب مخالفان بدون جنگ است:

بگیتی مدارید چندین امید  
بفرجام هم شد ز گیتی بدر  
مرا با شما هم بفرجام کار  
دل کینه ورشان بدین آورم  
نگر تا چه بد کرد با جمشید  
نماندش همان تاج و تخت و کمر  
بباید چشیدن بد روزگار  
سزاوارتر ز آنکه کین آورم  
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۴۰)

## ۲-۵. داستان پیام

### الف) کلان گفتمان هویت طبقاتی خدایان

#### - واحد گفتمان ساز قدرت پنهانی خدایان

در ایلیاد خدا می اندیشد، فرمان می دهد، ایریس می فرستد و می خواهد و می شود و اگر کسی یا چیزی مطابق خواسته و فرمان خدا نشود، نابودی ای همچون فرو ریختن دیوار آخائی چشم به راهش خواهد بود.

آرس، فوبوس و پوزیدون، پشتیبان تروائیان هستند و از آنجا که خدایان و الهه‌ها دمدمی هستند، پوزیدون در آینده به یاری آخائی‌ها می رود، بنابراین خدایان به پیام در کسب قدرت و حفظ آن یاری رسانده‌اند و پاریس نیز به یاری آفرودیت و زئوس توانست انتقام خویش را از پدر بگیرد و باید گفت این همان قدرت پنهانی است که در سراسر زندگی و کاروکردهای شخصیت‌های داستان ایلیاد وجود دارد و این یعنی همان طرح سراسربین فوکو که «همه چیز بی وقفه و دائم قابل رؤیت، قابل شناسایی و مراقبت است» (فوکو، ۱۳۸۷: ۱۵۳) و به نوعی انسان در آن اسیر است و شخصیت‌ها در همه جا دیده‌بانی دارند.

در این میان زئوس با این برنامه که یونان و تروآ را به دست آورد، آتش درگیری میان یونان و تروآ را بیشتر می کند و خود هواخواه ترواییان می شود. او خواهان قدرت این جهانی است؛ از این رو در میانه نبرد، فرمان باز ایستادن خدایان و الهه‌ها را می دهد تا نقشه خویش را اجرا کند. در پایان تروآ نابود می شود و یونان پیروز.

سلطه خدایان آن‌چنان بر زندگی مردمان یونان و تروآ سایه گسترده که هیچ نبردی و هیچ کارکرداری را بدون آن‌ها نمی‌توانند تصور کنند؛ برای نمونه «یونانیان و مردم تروآ دست به سوی آسمان برافراشتند و گفتند: ای پدر خدایان، ای خداوندگار ایدا ای خدای هراس‌انگیز، آنکه این همه تیره‌بختی را فراهم کرده نابود باد و به سرزمین هادس فرو رواد و یگانگی و دوستی دو گروه همواره استوار باد» (هومر، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

خدایان در چندوچونی کار پهلوانان و شاهان دخالت می‌کنند و مایه ستیز یونانیان و ترواییان هستند. زئوس پشتیبان ترواست و هرا و آتنه در اندیشه نابودی تروآ و پشتیبان یونان. «خدایان در کوه اولمپ گرد آمدند و با یکدیگر هم‌داستان شدند که خدای جنگ بر زمین فرود آید و به مردم آخائی ناسزا بگوید و مردم تروآ را برانگیزد تا پیمان بشکنند و بجنگند. در نخستین زد و خورد منلاس زخم برداشت. آگامنون لشکریان آخائی را برانگیخت و جنگ‌های تن‌به‌تن درگرفت» (همان: ۱۴۲-۱۶۶).

### ب) کلان‌گفتمان هویت دینی-سیاسی

#### - واحد گفتمان‌ساز قدرت دین

پریام به یاری خدایان و دین پیش می‌رود؛ بنابراین قدرت پنهانی دین، خدا، آیین، نیایش، ستایش و ... ابزارهایی کارآمد و ارزشمند در دستان دارنده قدرت هستند و همیشه با ابزار دین پیروز هر میدانی بوده، هستند و خواهند بود؛ برای نمونه پریام به درگاه زئوس برای یاری در راه رسیدن به سراپرده آخیلوس و گرفتن پیکر بی‌جان هکتور می‌گوید: «ای خدای بزرگ، پس از آنکه مرا به سراپرده آخیلوس بردی، مهر بورز وی را در برابر اشک‌های من نرم کن، مرا سزاوار آن بدان و به شتاب نشانی از خواست خود بفرست، امید است که پرنده گرامی تو، شاه گروه بالداران، به سوی راست من پرواز کند تا آنکه چون نگاه خود را بر آن بگمارم. با دلگرمی تا لشکرگاه مردم آخائی راه پیمایم» و زئوس خواسته او را می‌پذیرد (همان: ۷۲۷).

### - واحد گفتمان ساز تقدیرگرایی

هلن برای توجیه لغزشش از سرنوشت سخن می‌راند و زئوس، سرنوشت را مانند ابزاری که می‌تواند گاه به یونانیان کمک نکند یا بکند، می‌داند.

شخصیت‌های ایلید پیوسته با هر پیشامدی برای خدایان قربانی می‌کنند که از نشانه‌های تقدیرگرایی است؛ برای نمونه زئوس آنجا که پای منافع و حفظ قدرتش به میان می‌آید، به سراغ تقدیر می‌رود و آن را دستاویزی برای یاری نرساندن به پهلوانان قرار می‌دهد (همان: ۶۶۰ - ۶۶۱).

### پ) کلان گفتمان هویت شاه

#### - واحد گفتمان ساز اقتصاد

ترواییان اقتصاد خوبی دارند که همواره برای خدایان و الهه‌ها قربانی می‌کنند. آن‌ها سپاه و جنگ‌افزارهای بسیاری نیز دارند؛ برای نمونه «پریام دوازده پرده باشکوه، دوازده بستر، به همان اندازه روانداز و ... از آن بیرون کشید که پیش‌از این هنگامی که به فرستادگی نزد مردم تراکیه رفت از ایشان به او رسیده بود، پیشکشی بود که چیزی با آن برابری نمی‌کرد» (همان: ۷۲۴).

#### - واحد گفتمان ساز سپاه

سپاه ترواییان قدرتمند و پُر از جنگاوران دلاوری چون هکتور، مردم دارادانه و ... است؛ برای نمونه «در پیشاپیش مردم تروآ هکتور بزرگ راه می‌پیمود که خود تابان بر سر داشت و پسر پریام بود. در کنار وی دلاورترین جنگاوران را دیدند که در زوین افکنی شوری داشتند و ...» (همان: ۱۱۴).

### ت) کلان‌گفتمان هویت سیاسی

#### - واحد گفتمان‌ساز تهدید

پاریس برای تهدیدِ پریام نخست هِلن را از بیگانگان ربود و آنگاه با نمایش قدرتش در برابر پریام، خواستار انتقام گرفتن و رسیدن به تاج شد.

### ث) کلان‌گفتمان هویت فرهنگی-ملی

#### - واحد گفتمان‌ساز خیانت، ازدواج و دزدی

پاریس برای کسب قدرت و نشستن بر تخت، هِلن را ربود، زیرا می‌دانست یونانیان به این بهانه به تروآ می‌تازند و او به مقصودش می‌رسد. گفتنی است زنان ایلید بی‌کنش یا کم‌کنش هستند مانند هکوب (مادر هکتور) که یک‌بار برای نیایش به درگاه آتِه می‌رود تا از او یاری جوید و بار دیگر برای زاری در اندوه مرگ فرزندش حضور دارد.

#### فضای گفتمانی داستان پریام

کلان‌گفتمان کلی ستیز و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن (خرده‌گفتمان غالب قدرت) گفتمان مسلط متن است. این گفتمان، سیاست هویت، سیاست زندگی، سیاست چگونگی کسب قدرت، چگونگی چیرگی بر دیگری را به خاندان شاهی پریام آموخته است که در نتیجه آن‌ها در همه عملکردهایشان گفتمان ستیز را سرلوحه قرار داده‌اند. ماهیت و خط‌مشی کلان‌گفتمان ستیز در داستان، واحدهای گفتمان‌ساز اصلی و هژمونی پریام و زئوس هستند زیرا همه رخدادها پیرامون آن‌هاست و در این راه هرچه با آن‌ها مخالفت کند، به حاشیه رانده می‌شود؛ پاریس و هکتور هم تحت تأثیر این کلان‌گفتمان هستند بنابراین:

۱. زئوس با فرستادن و گاهی نفرستادن خدایان و الهه‌ها به رزمگاه سعی دارد با سیستم سراسرین قلمرواش را اداره کند و خود تبدیل به اَبَر گفتمان شود. او در این راه از راهکارهای دیگر مجازات انضباطی مانند کشتن برای بهنجارسازی نیز استفاده کرده است.

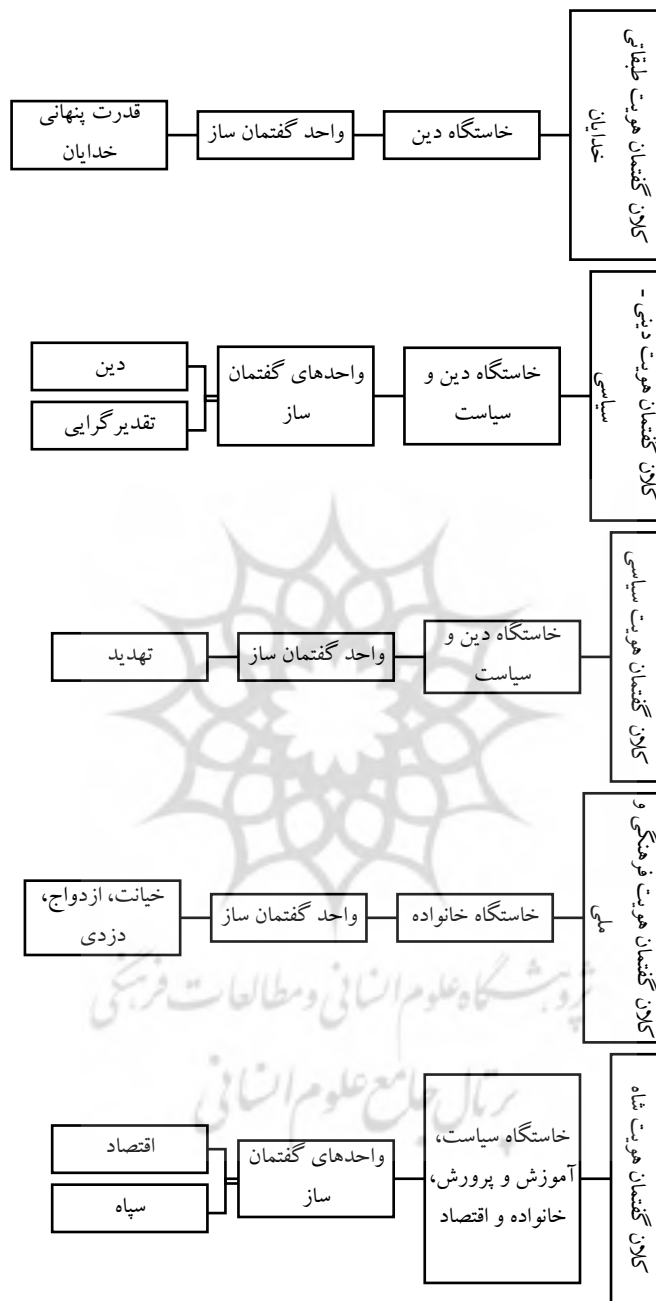
۲. پریام با طرد کردن پاریس می‌خواهد خود تبدیل به آبر گفتمان شود.

۳. منلاس به بهانه بازپس‌گیری هلن می‌خواهد تروآ را فتح کند و خود تبدیل به آبر گفتمان شود.

۴. دین، جادو و قدرت از واحدهای گفتمان‌ساز غالب در این داستان هستند.

در این داستان آبر گفتمان پریام با شناساندن گفتمان هکتور به‌عنوان کسی مقدس (پریس بر او نازل شد) او را به جانمایی برگزید و از او پشتیبانی کرد و گفتمان پاریس را به دستاویز طالع شوم، طرد کرد و این‌گونه آبر گفتمان خودش و گفتمان هکتور را پیروز و هژمونیک کرد. درنهایت با درگیری، ستیز و کشته شدن هکتور، گفتمان او هم به حاشیه رانده شد و ابتدا آبر گفتمان پریام پیروز شد و بعد آبر گفتمان زئوس.

کلان گفتمان‌های اساسی داستان از این قراراند: کلان گفتمان هویت طبقاتی خدایان با واحد گفتمان‌ساز قدرت پنهانی خدایان، کلان گفتمان هویت دینی-سیاسی با واحدهای گفتمان‌ساز دین و تقدیرگرایی، کلان گفتمان هویت فرهنگی-ملی با واحد گفتمان‌ساز خیانت، ازدواج و دزدی، کلان گفتمان هویت شاه با واحدهای گفتمان‌ساز اقتصاد، سپاه و کلان گفتمان هویت سیاسی با واحد گفتمان‌ساز تهدید و همگی بر بنیاد خاستگاه‌های دین، سیاست، خانواده، آموزش و پرورش و اقتصاد شکل گرفته‌اند. بر این پایه شاه سیاست هویت‌بخشی به کسان جامعه را بر اساس خواسته شاه - خدا (زئوس) از حنجره دین فریاد می‌زند؛ بنابراین صورت‌های گفتمانی داستان دینی و سیاسی است. در این فضای گفتمانی قدرتمندترین و با دانش‌ترین شخصیت داستان، پاریس است که با روابط قدرت هنجارزده نشد و در برابر گفتمان غالب قدرت مقاومت کرد و کوشید تا گفتمان غالب قدرت نتواند به نمایش بیشتر هژمونی شدن قدرت بپردازد. دیگران همگی کسانی تن در داده به هویت‌های ساختگی‌اند که از سوی خاستگاه‌ها برای آن‌ها تدارک دیده شده بود.



نمودار ۲. گفتمان‌های غالب، خاستگاه‌ها و واحدهای گفتمان‌ساز در داستان پیام



## محورهای دیرینه‌شناسی داستان پریام

### - شناسایی فضای متخاصم

این داستان سه گفتمان قدرت کلی (ژئوس، پریام و پاریس) دارد که قدرت‌مداراند؛ گفتمان قدرت پاریس با ربودن هلن و تاختن یونانیان به تروآ و یاری و دخالت‌های خدایان و الهه‌ها و به‌ویژه اَبر گفتمان ژئوس، پیروز شد و در انتهای داستان اَبر گفتمان پریام را به حاشیه راند. در این راه کلان گفتمان‌های هویت طبقاتی خدایان، هویت دینی-سیاسی، هویت سیاسی و هویت فرهنگی-ملی و هویت شاه به همراه واحدهای گفتمان‌سازشان اَبر گفتمان‌های قدرت پریام، ژئوس و پاریس را ساختند. گفتمان‌های دیگر و بیگانه (یونان و هلن) به گفتمان قدرت پاریس هویت بخشیدند و ساختار معنایی‌اش را آراستند.

### - منازعات معنایی

پریام از آغاز، پاریس را که رقیبی برای شهریاری‌اش می‌دانسته رها کرد و از اینجا گفتمان کسب قدرت شکل گرفت؛ سپس آفرودیت به یاری پاریس شتافت و نقشه‌ای با کمک خدایان و الهه‌ها کشید و گفتمان دینی شکل گرفت و در لایه‌های پنهان متن خدایان نیز خواهان تاج شدند و دخالت‌هایشان در سازوکارهای زمینی‌ها افزون‌تر شد و بنابراین گفتمان کسب قدرت پیروز شد و گفتمان‌های دیگر را کنار زد. سرانجام گفتمان قدرت پاریس آن قدر نیرومند شد که جایی برای اَبر گفتمان قدرت پریام نگذاشت و با ستیز و یاری خدایان و یونانیان به آرمانش رسید. در مجموع کسب قدرت و خاستگاه خانواده (در لایه‌های پنهانی متن) با ارزش‌ترین معناها در فضای کلی داستان هستند.

### - تعیین زمان و مکان

- زمان کلان: گذشته دور در یونان باستان (زمان پادشاهی منلاس و پریام).  
- زمان خرد: روز (زمان گفتمان‌ها در روز و در قصر یا هنگام نبرد و آوردگاه بوده است) و شب (زمان استراحت شاه و زنان شبستان و لشکریان به هنگام نبرد).

- مکان کلان: یونان (قلمرو پادشاهی منلاس) تروآ (قلمرو پادشاهی پریام) آسمان (قلمرو پادشاهی زئوس و خدایان).

- مکان خرد: درگاه منلاس، درگاه پریام، آوردگاه نبرد یونان و تروآ که در نزدیکی شهر تروآ بود، پرگام (باروی شهر تروآ)، سکاماندر (رودی که محل جدال یونانیان و ترواییان است).

اگر هنگام پادشاهی پریام، پاریس برای کسب قدرت شورش نمی‌کرد، گفتمان قدرتش شکل نمی‌گرفت. جایگاه‌های یونان و آسمان و نیز فرامکان و فرازمان به او در پیروزی گفتمانش یاری رساندند.

گفتنی است پریام برخلاف فریدون تنها فرمانروایی این جهان را بر دوش دارد. او برخلاف فریدون دیالوگ ندارد، سکوت کرده و تنها فرمان می‌دهد و می‌نگرد. برای حفظ قدرت پاریس را بر بنیاد دیدگاه ستاره‌شناسان (تقدیرگرایی) در کوه رها می‌کند و با یورش یونانیان هکتور (جانشینش) را راهی می‌کند با این پندار که شاید او نیز بمیرد. او تسلیم خواست خدایان است. بر بنیاد سخن فوکو باید گفت پریام با حقیقت تقدیرگرایی و دین همبستگی ایجاد می‌کند و از این راه به فرمانروایی‌اش مشروعیت می‌بخشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

وجوه افتراق خاندان‌های شاهی فریدون و پریام از این قرار است:

۱. تنها در داستان خاندان شاهی پریام خدایان بی‌واسطه روی زمین هستند.
۲. خدایان تنها در داستان خاندان شاهی پریام مداخله‌گر و مادی‌گرا هستند.
۳. واحد گفتمان‌ساز خدا - شاه تنها در داستان خاندان شاهی پریام دیده می‌شود که زئوس خدا - شاه است.

وجوه اشتراک خاندان‌های شاهی فریدون و پریام از این قرار است:

۱. در هر دو داستان شاه واحد گفتمان‌ساز قدرت مرکزی و اصلی است.
۲. در هر دو داستان شاه (فریدون، زئوس) رهبری دینی و سیاسی را بر دوش دارد.
۳. در هر دو داستان واحد گفتمان‌ساز تقدیرگرایی مهم است.

۴. در هر دو داستان مردم بی‌گفتمان هستند.
۵. در هر دو داستان اندیشه پرسشگری سرکوب می‌شود.
۶. در هر دو داستان واحد گفتمان‌ساز انتقام‌جویی مهم است.
۷. در هر دو داستان واحد گفتمان‌ساز نژاد مهم است. فریدون و ایرج نژاده هستند. در داستان پیام شاهان، شاهزادگان و پهلوانان به‌نوعی با خدایان و الهه‌ها در ارتباط هستند.
۸. واحد گفتمان‌ساز دادگری در هر دو داستان دیده می‌شود. فریدون در ابتدای حکومتش دادگر است؛ زئوس هم با ویرانی تروآ دادگری‌اش را نشان داد.
۹. در هر دو داستان سزای مخالفان مرگ است.
۱۰. خاستگاه سیاست در هر دو داستان بر روابط و چینش گفتمان‌های داستان‌ها تأثیر دارد.
۱۱. کلان‌گفتمان غالب هویت دینی - سیاسی کلان‌گفتمان بنیادی هر دو متن است.
۱۲. نمودار قدرت از بالا به پایین نیست بلکه همه‌جا هست.
۱۳. در هر دو متن طرح سیستم سراسربین دیده می‌شود.
۱۴. گفتمان ستیز و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن (خرده گفتمان غالب قدرت) گفتمان مسلط هر دو متن است.
۱۵. واحد گفتمان‌ساز کسب قدرت از واحدهای گفتمان‌ساز مرکزی در فضای گفتمانی هر دو متن است.
۱۶. قدرتمندترین و با دانش‌ترین شخصیت‌ها سلم، تور و پاریس هستند.
۱۷. صورت‌های گفتمانی سیاست، دین، جادو و نجوم با توجه به گفتمان مسلط ستیز و خرده گفتمان غالب قدرت در هر دو متن وجهی غالب دارند.
۱۸. خاستگاه خانواده در هر دو داستان ابتدا مهم است ولی در انتها بی‌اهمیت می‌شود.
۱۹. خاستگاه دین و جادو در هر دو داستان غلبه گفتمانی دارد و این استواری خاستگاه دین را نشان می‌دهد. در هر دو داستان دین به یاری قدرت حاکم شتافته است و آن را مشروع جلوه داده و به قدرت تثبیت بخشیده است.
۲۰. واحد گفتمان‌ساز تقدس در هر دو متن دیده می‌شود.

۲۱. فریدون برای کسب قدرت و کشورگشایی با شاه یمن ارتباط برقرار کرد. یونانیان نیز برای کسب قدرت در تروآ تلاش کردند. زنوس خواهان کسب قدرت در زمین بود.

۲۲. آبر گفتمان‌ها در هر دو داستان معناهایی چون جنگ، شمشیر، قتل و کشورگشایی را دنبال می‌کنند.

۲۳. در هر دو متن حقیقت نظام معنایی دین عامل ایجادکننده قدرت و قدرت نظام پادشاهی عامل ایجادکننده نظام معنایی دین است.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

### ORCID

Zahra Ghorbanipour  <http://orcid.org/0000-0002-5319-2654>

Farhad Tahmasbi  <http://orcid.org/0000-0002-2380-8331>

### منابع

- ارمی اول، ساره. (۱۳۹۱). بررسی روابط قدرت در داستان کیخسرو براساس دیدگاه فوکو. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۹ (۳۸)، ۹-۳۳. doi: 20.1001.1.17352932.1391.9.38.5.5.۳۳-۹
- اوستا. (۱۳۸۵). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. جلد اول. چاپ دهم. تهران: مروارید.
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل. (۱۳۶۸). تاریخ ثعالبی (غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم). مقدمه مجتبی مینوی، ترجمه محمد فضائلی. چ ۱. قم: نشر نقره.
- خاتمی، احمد و امن‌خانی، عیسی و علی‌مددی، منا. (۱۳۸۸). نگاهی به چرایی بازگشت ادبی از منظر نظریه گفتمان فوکو. فصلنامه تاریخ ادبیات، ۱ (۱). ۷۳ - ۸۸. doi: [https://hlit.sbu.ac.ir/article\\_98553.html](https://hlit.sbu.ac.ir/article_98553.html)
- دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل. (۱۳۷۹). فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک. ترجمه حسین بشیریه. چاپ دوم. تهران: نی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). شاهنامه چاپ مسکو. به کوشش سعید حمیدیان. چاپ دهم. تهران: قطره.

- فوکو، میشل. (۱۳۸۷). *دانش و قدرت*. ترجمه محمد ضیمران. چاپ چهارم. تهران: هرمس.
- قربانی پور، زهرا. (۱۳۹۴). *کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷*. چاپ اول. تهران: سوره مهر.
- کچویان، حسین. (۱۳۸۲). *فوکو و دیرینه‌شناسی دانش*. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.
- کوک، جانانان. (۱۳۸۵). *گفتمان، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*. به سرپرستی ایرنا ریما مکاریک. ترجمه مهرا مہاجر و محمد نبوی. چاپ دوم. تهران: آگه، صفحات ۲۵۶ - ۲۶۰.
- میلز، سارا. (۱۳۸۲). *گفتمان*. ترجمه فتاح محمدی. چاپ سوم. زنجان: هزاره سوم.
- هومر. (۱۳۸۲). *ایلیاد*. ترجمه سعید نفیسی. چاپ شانزدهم. تهران: علمی و فرهنگی.

## References

- Avesta. (2006). Report and Research: Jalil dostkhah. 1 vol. 10 st ed. Tehran: Morvarid. [In Persian]
- Cook, J. (2006). *Discourse*. Supervisor: Irena Rima Makaryk. *Encyclopedia of contemporary literary theory*. Translated by: Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. 2 st ed. Tehran: Agah. pp: 256-260. [In Persian]
- Dreyfus, H. and Rabinow, P. (2000). Michel Foucault, beyond Structuralism and Hermeneutics. Translated by: Hossein Bashirie, 16 st ed. Tehran: nashreney. [In Persian]
- Eramiavval, S. (2012). The Analysis of power relations in the Keikhosrow Story: Based on Foucault's view. *Quarterly of literary research*, 38(9), 9-33. doi: 20.1001.1.17352932.1391.9.38.5.5 [In Persian]
- Ferdowsi, A. (2007). *Shahname Printed in Moscow*. Be Koshesh-e Saeed Hamidian. 10 st ed. Tehran: Ghatre. [In Persian]
- Foucault, M. (2008). *Knowledge and Power*. Translated by: Mohammad Zeymaran. 4 st ed. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Ghorbanipour, Z. (2015). *The Bibliography of Ferdowsi and Shahname (1979-2009)*. 1 st ed. Tehran: sooremehr. [In Persian]
- Homer. (2003). *Iliad*. Translated by: Saeed Nafisi, 16 st ed. Tehran: Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Kachooyan, H. (2003). *Michel Foucault and the Archaeology of Knowledge*. 1 st ed. Tehran: Tehran University. [In Persian]
- Khatami, A., Amnkhani, I., and Alimadadi, M. (2009). A Glance at the Reasons behind Literary Restoration from the Point Of View of uuuuuuut' Dicrrr ee Teerr y. *Quarterly of History of literature of Shahid Beheshti University*, 1 (1), 73-88. doi: [https://hlit.sbu.ac.ir/article\\_98553.html](https://hlit.sbu.ac.ir/article_98553.html) [In Persian]

- Mills, S. (2003). *Discourse*. Translated by: Fattahmohammadi, 3 st ed. Zanzan: Hezareh. [In Persian]
- Thaalabi Neishabori, Abdolmalek ebne Mohammad ebne Esmaeil. (1989). *The History of Thaalabi (famous for the ghorare Akhbar of Molokalfors and Sirehom)*. Introduction: Mojtaba Minavi, Translated by: Mohammad Fazaeli. 1 st ed. Ghom: Noghre. [In Persian]



**استناد به این مقاله:** قربانی پور، زهرا، طهماسبی، فرهاد. (۱۴۰۲). دیرینه‌شناسی ستیز قدرت در خاندان‌های شاهی شاهنامه و ایلید (با تکیه بر اسطوره‌های فریدون و پریام). *متن پژوهی ادبی*، ۲۷(۹۵)، ۱۸۱-۲۱۰. doi: 10.22054/LTR.2021.46190.2809



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.